

مقایسه توانایی‌های اجتماعی و مشکلات رفتاری کودکان ۱۲-۶ ساله مبتلا به صرع با کودکان سالم

اعظم قاسمپور^۱، منیژه نوریان^۲، فاطمه محرری^۳، حمید خالصی^۴، فریده یغمایی^۵، علیرضا اکبرزاده باغبان^۶

۱. کارشناس ارشد آموزش پرستاری کودکان، مربی دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی مشهد

۲. کارشناس ارشد پرستاری کودکان، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۳. فوق تخصص روانپزشکی کودک و نوجوان، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۴. متخصص کودکان و نوزادان ۵. دکتری تخصصی بهداشت دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۶. دکترای آمار پزشکی و عضو هیئت علمی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۵۱۱۷۱۱۲۷۲۱ فکس: ۰۵۱۱۷۱۱۲۷۲۳ ایمیل: mohararifi@mums.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: بیماری صرع بیماری نسبتاً شایع عصبی دوران کودکی است و تقریباً ۱۰-۵ کودک از هر ۱۰۰۰ کودک را مبتلا می‌سازد. این اختلال بر روی توانایی‌های کودکان مبتلا و عملکرد آنان تأثیر گذاشته و سلامت روانی آنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. مطالعه حاضر با هدف تعیین و مقایسه توانایی‌های اجتماعی و مشکلات رفتاری کودکان مبتلا به صرع و سالم سن مدرسه انجام شده است.

روش کار: در این پژوهش توصیفی- تحلیلی ۱۵۰ کودک ۱۲-۶ سال شامل دو گروه: سالم (۱۰۰ نفر) و مبتلا به صرع (۵۰ نفر)، به روش نمونه‌گیری تصادفی از بیمارستان قائم و ۱۱ مدرسه از ناحیه ۶ مشهد انتخاب شده و والدین آنان پرسش‌نامه‌های توانایی‌ها و مشکلات، «فهرست رفتاری کودکان» و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی را در مدت ۲۰ دقیقه تکمیل نمودند. اعتبار ابزارها از طرق روش‌های تعیین شاخص اعتبار محتوا و اعتبار صوری مشخص و پایایی درونی ابزارها از طریق همسانی درونی بررسی گردید. یافته‌ها بر اساس آزمون‌های آماری من ویتنی آنالیز واریانس دو متغیره، آنالیز رگرسیون ساده و چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: در توانایی‌های اجتماعی پسران، در دو گروه مبتلا به صرع و سالم اختلاف معنادار آماری مشخص گردید ($p=0/02$). کودکان در گروه‌های مبتلا به صرع و سالم، در حیطه مشکلات ارتباط با همسالان ($p=0/01$) و مشکلات عاطفی نیز اختلاف معنی‌دار آماری با یکدیگر داشتند ($p=0/03$).

نتیجه‌گیری: اختلال صرع باعث کاهش توانایی‌های اجتماعی کودکان سن مدرسه گشته و این کودکان نسبت به همسالان سالم خود مشکلات بیشتری در حوزه رفتاری، عاطفی و ارتباط با همسالان دارند.

واژه‌های کلیدی: صرع، کودکان، مشکلات رفتاری، کفایت اجتماعی

پذیرش: ۹۰/۹/۷

دریافت: ۹۰/۷/۳

مقدمه

بیش از ۱/۲ موارد در کودکی شروع می‌شود. کودکان مبتلا عموماً پیش‌آگهی خوبی داشته، اما ۲۰-۱۰٪ آن‌ها تشنجهای مداوم و مقاوم به درمان دارند که مطرح‌کننده چالش درمان و تشخیص می‌باشد [۱]. کودکان و نوجوانان مبتلا به صرع در

تشنجه‌ها در گروه سنی کودکی شایع بوده و تقریباً در ۱۰٪ کودکان اتفاق می‌افتد. کمتر از ۱/۳ موارد تشنجه‌ها در کودکان به دلیل صرع ایجاد می‌شود. میزان بروز صرع در طول زندگی ۳٪ بوده که در

مبتلا به صرع در مقایسه با همسالان سالم انجام شد، مشخص نمودند که صرع یک عامل محدودکننده برای توانایی اجتماعی کودکان و نوجوانان می باشد [۷].

هدف از مطالعه حاضر، مقایسه توانایی های اجتماعی و مشکلات رفتاری کودکان مبتلا به صرع و سالم در سن مدرسه می باشد تا با تعیین نیازهای کودک، مدیریت صحیح رفتار کودک توسط والدین صورت گرفته و ضمن آگاه ساختن والدین به نیازهای کودک بیمارشان، توانایی های اجتماعی و مشکلات رفتاری کودکان مبتلا به صرع هرچه زودتر شناسایی و درمان شده و مراقبت مناسب ارائه گردد.

روش کار

در پژوهش توصیفی- تحلیلی حاضر، ۱۵۰ کودک ۶ تا ۱۲ ساله مبتلا به صرع (۵۰ نفر) و سالم (۱۰۰ نفر) به روش نمونه گیری تصادفی از بیماران مراجعه کننده به درمانگاه سرپایی بیمارستان قائم و مدارس مشهد انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش شامل: داشتن تشخیص قطعی بیماری صرع با تأیید متخصص اعصاب کودکان؛ عدم ابتلا به عقب ماندگی ذهنی، فلج مغزی و صرع پایدار در کودک؛ عدم ابتلا به بیماری جسمی، عصبی، روانی و ناتوانی یادگیری در کودک؛ داشتن والدین بیولوژیک با حداقل سواد خواندن و نوشتن.

دو گروه از نظر سن، جنس و وضعیت تحصیلی پدر و مادر و نیز سطح اقتصادی- اجتماعی خانواده همسان سازی شدند. کودکان مبتلا به صرع از بین مراجعین به درمانگاه سرپایی تخصصی اعصاب اطفال بیمارستان قائم مشهد انتخاب شدند. بعد از نمونه گیری و انتخاب کودکان سالم از سطح مدارس ناحیه ۶ مشهد با کسب رضایت والدین، مصاحبه ای از تمامی نمونه ها توسط روانپزشک کودک و نوجوان انجام شد. پس از تایید سلامت رفتاری این کودکان، جلساتی برای والدین کودکان منتخب که عمدتاً مادران بودند، برگزار شده و ضمن پژوهش در

خطر قابل ملاحظه ای برای آسیب شناسی های روانی^۱ قرار دارند [۲]. ۳۰-۵۰ درصد افراد مبتلا به صرع در طول بیماری خود دچار مشکلات روانپزشکی می شوند. شایع ترین نشانه های رفتاری صرع تغییرات شخصیت و روان پریشی^۲ است و البته خشونت و افسردگی نیز با شیوع کمتر در صرع دیده می شود [۳]. با وجود آن که ۶۱ درصد کودکان مبتلا به صرع بر اساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی^۳ دچار اختلالات روانپزشکی هستند، ولی تنها ۳۳ درصد آن ها تحت درمان قرار می گیرند [۴]. کودکان و نوجوانان مبتلا به صرع ممکن است مشکلاتی را در مدرسه، ارتباطات اجتماعی و فعالیت هایی مانند: ورزش و شغل های نیمه وقت تجربه کنند. همچنین این کودکان، آسیب بیشتری در زمینه کفایت اجتماعی، نسبت به همسالان سالم خود، خواهر و برادر و کودکان مبتلا به سایر بیماری های مزمن، می بینند [۵]. مطالعات نشان داده است که کفایت اجتماعی پایین در کودکان صرعی با خصوصیات جمعیت شناختی، فرهنگ، عوامل رفتاری و شناختی، و نیز با متغیرهای مربوط به تشنج و میزان اختلال عملکرد اساسی مغز ارتباط دارد. هرچند این یافته ها در همه مطالعات آشکار نشده است [۵]. در مطالعه دان و همکاران مشخص شد که خطر افت تحصیلی، مشکلات در ارتباط با همسالان، مشکلات رفتاری، علائم بیش فعالی- کم توجهی و رفتارهای تکانشی در کودکان مبتلا به صرع با احتمال بیشتری دیده می شود [۶]. مطالعه آماترکی و همکاران نشان داد که کودکان و نوجوانان مبتلا به صرع در خطر قابل ملاحظه ای از نظر مشکلات روانی به ویژه افسردگی، بیش فعالی- کم توجهی و اختلال سلوک قرار داشته و از لحاظ آموزشی و یادگیری ضعف های فراوانی دارند [۲]. همچنین جاکولجویس^۴ و همکاران، در پژوهشی که با هدف بررسی کفایت اجتماعی کودکان و نوجوانان

1. Psychopathology

2. Sychosis

3. DSM-IV

4. Jakovljevic

محیط و شرایط یکسان، پرسش‌نامه‌ها توسط والدین هر دو گروه کودکان تکمیل گردید. پرسش‌نامه «توانایی‌ها و مشکلات کودکان ۱۶-۴ سال به گزارش والدین» شامل ۵ حیطه: مشکلات عاطفی، مشکلات سلوک، مشکلات بیش‌فعالی-کم‌توجهی و مشکلات ارتباط با همسالان و رفتارهای مطلوب اجتماعی کودک بوده و در جمعیت ایرانی، پایایی ابزار از طریق اندازه‌گیری همسانی درونی با آلفای کرونباخ 0.73 میزان همبستگی در روش مشاهده همزمان، 0.70 ICC^5 گزارش شده است. پرسش‌نامه «فهرست توانایی‌های اجتماعی کودکان ۱۲-۶ سال از نظر والدین» شامل سه حیطه: فعالیت، اجتماع و مدرسه بوده و در پژوهش محمدی و همکاران، در جمعیت مهاجر ایرانی در انگلیس، همسانی درونی 0.88 نشان داد و بر اساس آزمون مجدد ضریب همبستگی $r=0.87$ برای مقیاس توانایی اجتماعی به دست آمد. پرسش‌نامه اطلاعات جمعیت‌شناختی نیز سه حوزه اطلاعات مربوط به کودک، اطلاعات مربوط به والدین و اطلاعات مربوط به صرع را در بر داشت.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر ۲ گروه از کودکان مبتلا به صرع (۵۰ نفر) و سالم (۱۰۰ نفر) در رابطه با برخی از توانایی‌های اجتماعی (فعالیت، اجتماع، مدرسه، رفتارهای مطلوب اجتماعی) و مشکلات رفتاری (مشکلات عاطفی، سلوک، بیش‌فعالی-کم‌توجهی، مشکلات ارتباط با همسالان) مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند. جنس کودکان مورد پژوهش در کل شامل ۴۴ درصد دختر و ۵۶ درصد پسر در دو گروه مبتلا به صرع و سالم بود. سن کودکان در دو گروه مبتلا به صرع و سالم ۱۲-۶ سال بود. بیشترین رده سنی در دو گروه سنی ۸-۶ سال بود که 46.7% کل نمونه‌ها را شامل می‌شد و بیشتر کودکان در سطوح پیش‌دبستانی و دوم دبستان (18%) تحصیل

می‌کردند. مادران در رده سنی ۴۹-۲۵ سال بودند که بیشترین رده سنی در دو گروه مبتلا به صرع و سالم ۳۵-۳۱ سال بود و تفاوت آماری معناداری از نظر سن مادر، بین دو گروه وجود نداشت ($p=0.2$). از نظر سطح تحصیلات مادران، در گروه مبتلا به صرع، ۴۸ درصد تحصیلات راهنمایی و در گروه سالم ۴۹ درصد دیپلم داشتند که تفاوت معنادار آماری بین دو گروه مشاهده نشد ($p=0.07$). میزان درآمد ماهیانه در گروه مبتلا به صرع، ۴۶ درصد در دامنه ۳۰۰-۱۰۰ هزار تومان و در گروه سالم، ۳۶ درصد میزان درآمد ماهیانه ۷۰۰-۵۰۰ هزار تومان داشتند که تفاوت آماری معناداری بین دو گروه مشاهده نشد ($p=0.08$). در ارتباط با عوامل جمعیت‌شناختی مانند ارتباط عاطفی با کودک، تشریک مساعی بین والدین، خلق والدین در منزل، تفریح در خانواده، توجه به رفتارهای اجتماعی مطلوب در خانواده، استقلال کودکان، نیاز به حمایت در نحوه برخورد والد با کودک، تفاوت معنادار آماری بین دو گروه مبتلا به صرع و سالم یافت نشد. (به‌ترتیب: $p=0.15$ ، $p=0.23$ ، $p=0.99$ ، $p=0.85$ ، $p=0.19$ ، $p=0.23$ ، $p=0.08$) (جدول ۱). ویژگی‌های مربوط به تشنج در گروه مبتلا به صرع شامل: مصرف داروهای ضد تشنج که ۶۲ درصد کودکان از یک دارو برای کنترل تشنج استفاده می‌کردند. از نظر نوع دارو، ۴۰ درصد کودکان از داروی اسیدوالپروئیک استفاده می‌کردند. ۶۸ درصد کل مادران در زمینه کنترل تشنج موفق بودند. بیشترین (۴۲ درصد) طول مدت تشنج، یک دقیقه کامل بود. دفعات تکرار تشنج در اکثریت کودکان (۷۲ درصد)، بدون تشنج در ۶ ماه گذشته بود. سن شروع تشنج در اکثریت کودکان مورد پژوهش (۲۶ درصد) ۶-۳ سال بود. نوع تشنج در کودکان مورد پژوهش (۵۴ درصد) عمومی یا ژنرالیزه تونیک کلونیک بود. علت تشنج در کودکان مورد پژوهش (۸۰ درصد) با علت ناشناخته یا ایدیوپاتیک بود. همچنین نتایج پژوهش در رابطه با توانایی‌های اجتماعی پسران، در دو گروه مبتلا به صرع و سالم،

اختلاف معنادار آماری نشان داد ($p=0/02$). ولی توانایی های اجتماعی دختران، در دو گروه اختلاف معنادار آماری نشان نداد ($p=0/70$) (جدول ۲). به علاوه، در رابطه با مشکلات رفتاری کودکان در دو گروه مبتلا به صرع و سالم اختلاف معنادار آماری وجود داشت. نتایج آماری در ارتباط با حیطه های مربوط به توانایی های اجتماعی، نشان دهنده کاهش توانایی اجتماعی پسران در حیطه اجتماع، در گروه مبتلا به صرع در مقایسه با گروه سالم بود ($p=0/02$). در ارتباط با مشکلات رفتاری، در حیطه ارتباط با همسالان نیز در گروه مبتلا به صرع در مقایسه با گروه سالم اختلاف معنادار آماری وجود داشت ($p=0/01$) (جدول ۳). جدول ۱ نشان می دهد در زمینه خصوصیات جمعیت شناختی نمونه های مورد پژوهش، دو گروه مبتلا به صرع و سالم اختلاف معناداری را نشان نداده اند. جدول ۲ نشان می دهد در سطح اجتماع بیشتر نمونه های پسر در گروه مبتلا

به صرع و سالم در سطح طبیعی قرار داشتند. آزمون آماری من ویتنی اختلاف معنادار آماری را بین دو گروه نشان داد ($p=0/02$). این معناداری حتی با حذف متغیرهای مداخله گر با استفاده از آزمون آنالیز واریانس دو متغیره نیز معنادار شد که معناداری واقعی را نشان داد. جدول ۳ نیز نشان می دهد در سطح مشکلات عاطفی، بیشترین نمونه های مورد پژوهش در گروه مبتلا به صرع و سالم، در سطح طبیعی قرار داشتند. آزمون آماری من ویتنی تفاوت معنادار آماری را از نظر مشکلات رفتاری کودکان در حیطه مشکلات عاطفی نشان داد ($p=0/03$). در سطح مشکلات ارتباط با همسالان، بیشترین نمونه های مورد پژوهش در گروه مبتلا به صرع و سالم، در سطح طبیعی قرار داشتند. آزمون آماری من ویتنی تفاوت معنادار آماری را از نظر مشکلات رفتاری کودکان در حیطه مشکلات ارتباط با همسالان نشان داد ($p=0/01$).

جدول ۱. توزیع فراوانی مطلق و نسبی اکثریت واحدهای مورد پژوهش بر حسب برخی خصوصیات جمعیت شناختی کودکان سن مدرسه سالم و مبتلا به صرع در مشهد سال ۱۳۸۸-۸۹

مشخصات دموگرافیک	مبتلا به صرع (۵۰ نفر)		سالم (۱۰۰ نفر)		P
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
سن مادر	۲۵	۵۰	۳۴	۳۴	۰/۰۲
تحصیلات مادر	۲۴	۴۸	۱۴	۱۴	۰/۰۷
دبیر	۱۲	۲۴	۴۹	۴۹	
شغل مادر	۳۹	۷۸	۷۲	۷۲	۰/۴۶
ارتباط عاطفی والدین با کودک	۱۸	۳۶	۴۸	۴۸	۰/۰۸
تشریک مساعی بین والدین	۲۵	۵۰	۵۵	۵۵	۰/۲۳
خلق والدین در منزل	۳۱	۶۲	۷۳	۷۳	۰/۱۹
تفریح در خانواده	۲۳	۴۶	۵۷	۵۷	۰/۸۵
توجه والدین به رفتارهای مطلوب اجتماعی کودک	۲۸	۵۶	۵۵	۵۵	۰/۹۹
نیاز به حمایت در نحوه برخورد والدین با کودک	۲۶	۵۲	۳۰	۳۰	۰/۱۵
گاهی	۱۲	۲۴	۵۳	۵۳	
نیاز والدین به مشاوره روانی- اجتماعی	۲۸	۵۶	۲۵	۲۵	۰/۰۰
گاهی	۱۱	۲۲	۴۵	۴۵	
استقلال کودک	۲۴	۴۸	۵۷	۵۷	۰/۲۳

جدول ۲. توزیع فراوانی مطلق و نسبی واحدهای مورد پژوهش برحسب توانایی‌های اجتماعی پسران کودکان سن مدرسه سالم و مبتلا به صرع در مشهد سال ۸۹-۱۳۸۸

P- value	مقدار آماره آزمون من ویتنی	گروه				سطح	توانایی‌های اجتماعی پسران
		سالم		مبتلا به صرع			
		درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۰/۸۴	-۰/۱۹	۷۳/۲	۴۱	۷۱/۴	۲۰	طبیعی=۸/۵ و بالاتر	فعالیت
		۱۲/۵۵	۷	۱۴/۳	۴	حدمرزی=۷-۸	
		۱۴/۳	۸	۱۴/۳	۴	بالینی=۵-۶	
		۱۰۰	۵۶	۱۰۰	۲۸		جمع
۰/۰۲	-۲/۲۵	۸۹/۳	۵۰	۷۱/۴	۲۰	طبیعی=۵ و بالاتر	اجتماع
		۹/۸	۵	۷/۱	۲	حدمرزی = ۵-۴	
		۱/۸	۱	۲۱/۴	۶	بالینی=۵-۳	
		۱۰۰	۵۶	۱۰۰	۲۸		جمع
۰/۰۴	-۲/۰۳	۸۷/۵	۴۹	۶۷/۹	۱۹	طبیعی=۵/۳ و بالاتر	مدرسه
		۵/۴	۳	۲۱/۴	۳	حدمرزی=۳	
		۷/۱	۴	۱۰/۷	۳	بالینی=۵-۲	
		۱۰۰	۵۶	۱۰۰	۲۸		جمع

جدول ۳. توزیع فراوانی مطلق و نسبی واحدهای مورد پژوهش بر حسب مشکلات رفتاری کودکان گروه سالم و مبتلا به صرع سن مدرسه در مشهد سال ۸۹-۱۳۸۸

p	مقدار آماره آزمون من ویتنی	گروه						مشکلات رفتاری	
		جمع		سالم		مبتلا به صرع			
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۰/۰۳	-۲/۱۲	۸۸	۱۳۲	۸۴	۸۴	۹۶	۴۸	طبیعی=۳-۰	عاطفی
		۵/۳	۸	۷	۷	۲	۱	حدمرزی=۴	
		۶/۷	۱۰	۹	۹	۲	۱	بالینی=۱۰-۴	
		۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۰	جمع	
۰/۲۶	-۱/۱۱	۷۶/۷	۱۱۵	۷۴	۷۴	۸۲	۴۱	طبیعی=۲-۰	سلوک
		۱۲	۱۸	۱۳	۱۳	۱۰	۵	حدمرزی=۳	
		۱۱/۳	۱۷	۱۳	۱۳	۸	۴	بالینی=۱۰-۴	
		۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۰	جمع	
۰/۱۱	-۱/۵۸	۸۳/۳	۱۲۵	۸۰	۸۰	۹۰	۴۵	طبیعی=۵-۰	بیش‌فعالی- کم‌توجهی
		۴/۷	۷	۵	۵	۴	۲	حدمرزی=۶	
		۱۲	۱۸	۱۵	۱۵	۶	۳	بالینی=۱۰-۷	
		۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۰	جمع	
۰/۰۱	-۲/۵۰	۴۲	۶۳	۳۶	۳۶	۵۴	۲۷	طبیعی=۲-۰	ارتباط با همسالان
		۲۷/۳	۴۱	۲۷	۲۷	۲۸	۱۴	حدمرزی=۳	
		۳۰/۷	۴۶	۳۷	۳۷	۱۸	۹	بالینی=۴-۰	
		۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۰	جمع	

بحث

ارتباط با توانایی‌های اجتماعی، نتایج نشان داد در حیطه اجتماع، حتی با کنترل متغیرهای مداخله‌گر (شامل سن مادر، تحصیلات مادر، میزان درآمد، نیاز به مشاوره روانی-اجتماعی والدین) دو گروه سالم و

این پژوهش میزان توانایی‌های اجتماعی و مشکلات رفتاری کودکان مبتلا به صرع با کودکان سالم سنین مدرسه را مورد بررسی و مقایسه قرار داد. در

مبتلا به صرع اختلاف آماری معناداری داشتند. البته این معناداری که فقط در گروه پسران مشاهده شد، شاید به این دلیل باشد که پسران در سن مدرسه بیشتر تمایل به فعالیت های خارج از منزل دارند [۷] و اضطراب والدین [۸] و نگرش منفی جامعه از بیماری صرع [۹]، می تواند باعث کاهش توانایی های اجتماعی آنان شود. نتایج پژوهش جاکولجویس و همکاران [۷] نیز نشان داد که عامل جنس در کاهش توانایی های اجتماعی کودکان مبتلا به صرع تاثیرگذار می باشد که با یافته های پژوهش حاضر همخوانی دارد.

در پژوهش تورنتن و همکاران [۵]، مشخص شد که کفایت اجتماعی در همه حیطه های فعالیت، اجتماع و مدرسه، در کودکان مبتلا به صرع کمتر از کودکان سالم (خواهر یا برادر غیر بیمار آنها) می باشد و در پژوهش حاضر نیز در گروه پسران مبتلا به صرع، کاهش کفایت اجتماعی فقط در حیطه اجتماع، تفاوت آماری معناداری با گروه سالم خود نشان داد.

این مسئله ممکن است به این علت باشد که مدرسه از بیماری کودک بی خبر می باشد و تفاوتی بین کودکان صرعی و سالم در مدرسه از نظر کنترل بیشتر در این زمینه وجود ندارد.

در پژوهش حاضر کودکان مبتلا به صرع در حیطه ارتباط با همسالان، در مقایسه با گروه سالم حتی با وجود کنترل متغیرهای مداخله گر (شامل سن مادر، تحصیلات مادر، میزان درآمد، نیاز به مشاوره روانی- اجتماعی والدین با استفاده از آزمون آنالیز واریانس دومتغیره) توانایی کمتری داشتند و این تفاوت معنادار بود، شاید به این دلیل که کودکان مبتلا به صرع با توجه به برچسب خوردن از بابت بیماری، اعتماد به نفس پایین تری داشته و از ارتباط با همسالان خود ترس دارند و این موضوع در دوستیابی آنان تاثیرگذار بوده و کمتر تمایل به برقراری ارتباط با همسال خود دارند [۱۰ و ۱۱]. این کودکان در حوزه مشکلات عاطفی نیز تفاوت معنادار آماری با یکدیگر داشتند، و این نتایج با نتایج پژوهش آمانترکی و همکاران هماهنگ است. همچنین نتایج

پژوهش آستین جون^۱ و همکاران [۱۲] مشخص کرد که کاهش اطمینان والدین به توانایی هایشان در نظم و تربیت کودک، کاهش استقلال کودک، نگرانی والدین، نیاز والدین برای حمایت روانی- اجتماعی، کاهش ارتباط عاطفی والدین با کودک، و عدم همکاری یا تشریک مساعی والدین، مشکلات رفتاری را در کودک مبتلا به صرع افزایش می دهد، اما در پژوهش حاضر موارد ذکر شده بین دو گروه مبتلا به صرع و سالم سن مدرسه، اختلاف آماری معناداری نشان نداد.

نتایج پژوهش کاپلان^۲ و همکاران [۱۳] نشان داد کودکان مبتلا به صرع نمرات پایین توانایی های اجتماعی را تنها در حیطه مدرسه نشان دادند و در پژوهش حاضر نمرات پایین توانایی های اجتماعی در حیطه اجتماع و مدرسه دیده شد.

در نهایت با توجه به نتایج حاصل از پژوهش مذکور به نظر می رسد که کودکان مبتلا به صرع نسبت به همسالان طبیعی خود مشکلاتی در حوزه رفتاری، هیجانی و ارتباطی دارند و این بیماری باعث اختلال در عملکرد و توانمندی های اجتماعی کودک در اجتماع و نیز در محیط مدرسه می گردد و با توجه به این که این کودکان از نظر ضریب هوشی تفاوت معناداری با همسالان طبیعی خود ندارند، ضعف عملکرد اجتماعی کودک در جامعه و مدرسه می تواند باعث احساس سرخوردگی و کاهش اعتماد به نفس وی گردد که این امر نیاز به ارزیابی در حوزه های فوق را در همه کودکان صرعی مطرح می نماید و توجه دادن پزشکان مرتبط با درمان کودکان صرعی و والدین و سایر مراقبین و همچنین اولیای مدرسه به این نکات بسیار ضروری است، تا هر چه زودتر مشکلات احتمالی این کودکان شناسایی و مورد حل و فصل قرار گیرد.

از محدودیت های این پژوهش می توان به عدم بیان صحت قطعی والدین در پاسخگویی به سوالات،

1. Austin joan

2. Caplan

همچنین عدم اندازه‌گیری اضطراب و افسردگی والدین، تنش خواهر و برادران، توانایی مراقبت کودک بیمار از خود و همچنین عدم مصاحبه از خود کودک را در ارتباط با مشکلات و نیازهای مراقبتی اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

اختلال صرع باعث کاهش توانایی‌های اجتماعی کودکان سن مدرسه گشته و این کودکان نسبت به همسالان سالم خود مشکلات بیشتری در حوزه رفتاری، عاطفی و ارتباط با همسالان دارند و این مسئله لزوم توجه به وضعیت تحصیلی، عملکرد بین

فردی و ارزیابی‌های روان‌شناختی را در این کودکان مطرح می‌سازد.

تشکر و قدردانی

در پایان لازم است از حمایت معاونت محترم پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی قدردانی گردد. همچنین از راهنمایی‌های اساتید محترم دانشگاه علوم پزشکی مشهد سرکار خانم دکتر اشرف زاده و آقای دکتر جواد آخوندیان و کلیه افرادی که در اجرای پژوهش حاضر صمیمانه همکاری نمودند، تقدیر و تشکر می‌گردد.

References

- 1- Nelson. Textbook of pediatrics. 19 th edition, chapter S 86. 2011: 1993.
- 2- Turkey A, et al. Psychopatology in children and adolescents with epilepsy: An investigation of predictive variables. *Epilepsy and Behavior*. 2008; 12(1): 136 –144.
- 3- Saduck V, Saduck B. Synopsis of Psychiatry: Behavioral sciences, clinical psycthiatry. 10th Edition. New York. Oxford university press. 2007.
- 4- Ott D, et al. Behavioral disorders in pediatric epilepsy: Unmet psychiatric need. *Epilepsia*. 2003; 44(7): 591-597.
- 5- Thornton N, et al. Family function in cognitively normal children with epilepsy: Impact on competence and problem behaviors. *Epilepsy and Behavior*. 2008; 12(1): 90-95.
- 6- Dunn DW, et al. Symptoms of depression in adolescents with epilepsy. *Journal of American Academic child Adolescents Psychiatry*. 1999; 38(9): 1132-1138.
- 7- Jakovljevic V, Martinavic Z. Social competence of children and adolescents with epilepsy. *Seizure*. 2006; 15(7): 528-532.
- 8- Wiliams J, Steel CH, et.al. Parental anxiety and quality of life in children with epilepsy. *Epilepsy and Behavior*. 2003; 4(5):483-486.
- 9- Gardianfong C, Hung A. Public awareness, attitude and understanding of epilepsy in Hongkong, Special Administrative Region, China. *Epilepsia*. 2002; 43(3):311-316.
- 10- Westbrook LE, Bauman LJ, et.al. Applying stigma, theory to epilepsy: a test of a conceptual model. *Journal of Pediatric Psychology*, 1992; 17(5).
- 11- McLin WM, Deboer HM. Public Perceptions about epilepsy. *Epilepsia*. 1995; 3(6).
- 12- Austin JK, et al. correlates of behavior problems in children with epilepsy. *Epilepsia*. 2004; 33(6): 1115- 1122.
- 13- Caplan R, et al. Social competence in pediatric epilepsy: Insights into underlying mechanisms. *Epilepsy and Behavior*. 2005; 6(2): 218-228.

Comparing Social Competence and Behavioral Problems of Healthy Children and Children with Epilepsy in the Age of 6-12 Years Old

Ghasempour A¹, Nourian M², Moharari F^{*3}, Khalesi H⁴, Yaghmaie F⁵, Akbarzadeh baghban A⁶

1. Educationist of child nursing, Mashhad university of Medical sciences
2. Educationist of child nursing, Shahid beheshti university of Medical sciences
3. Child and adolescent of psychiatrist, Mashhad university of Medical sciences
4. Pediatrics
5. PhD of Health Education, Shahid beheshti university of Medical sciences
6. PhD of Medical Statistics, Shahid beheshti university of Medical sciences

*Corresponding Author: Tel: 05117112721 Fax: 05117112723 E-mail: mohararif1@mums.ac.ir

Received: 2011/09/25

Accepted: 2011/11/28

ABSTRACT

Background & Objectives: Epilepsy is relatively common neurological disease of childhood that affects approximately 5-10 per 1000 children. This disorder affects ability and performance of children and influences their mental health. This study aimed to determine the social competence and behavioral problems of healthy school-age children and children with epilepsy.

Methods: In this descriptive-analytical study, 150 children in the age of 6-12 years including 50 with epilepsy and 100 healthy ones were selected from Ghaem Hospital and 11 schools located in Region 6 of Mashhad city. Parents completed "Strength and difficulties", "Child behavior", and "demographic characteristics" Questionnaires within 20 minutes. Validity of questionnaires was determined through content and face validity methods and reliability was assessed by internal consistency. Data were analyzed by Mann-Whitney, variance analysis, and multiple regression tests.

Results: Statistically significant difference was observed between social competence of epileptic and healthy boys ($p=0.02$). Problems in relation with peers ($p=0.01$) and emotional problem ($p=0.03$) in children with epilepsy significantly differed from those of healthy children.

Conclusion: Epilepsy disorder reduces social ability of school-age children and they have more difficulties regarding to behavioral, emotional, and communication with peers than their healthy peers.

Key words: Epilepsy, Children, Behavioral problems, Social competence.